

# انحصارزدایی و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی از جانب دولت میسر است

اشاره:

انحصارزدایی و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی از اصول پایه نظام سرمایه‌داری است که بر مبنای بازار شکل گرفته است. در این نظام اقتصادی، حیطه فعالیت دولت تعریف شده و تصدی دولت در امور در چارچوب این تعریف مشخص گردیده و مابقی امور از جمله امور اقتصادی، بازرگانی و... به مردم یا به عبارتی شرکت‌های غیردولتی واگذار شده است. در این چارچوب، دولت در حیطه وظایف خود، عهده‌دار سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت می‌باشد و تا حد ممکن تلاش دارد فضای مناسبی را برای رقابت بنگاه‌های اقتصادی در داخل و در عرصه بین‌المللی فراهم سازد.

در نظام سرمایه‌داری، انحصار به عنوان مبنای حرکت غیررقابتی تلقی شده و تا حد ممکن محدود می‌گردد تا در عرصه داخلی و بین‌المللی، بنگاه‌های اقتصادی از طریق دستیابی به فناوری روز و بهره‌گیری از مدیریت کارآمد، بتوانند حیطه فعالیت خود را گسترش دهند.

انحصار در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، دستیابی به منابع و عوامل تولید و... سبب می‌شود که تخصیص بهینه منابع دچار اختلال گردیده و رقابت که اساس ایجاد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی است، از بین برود و زیان‌های ناشی از آن به مصرف‌کنندگان وارد شود. در این مقاله به بررسی مشکلات ناشی از انحصارات و راهکارهای تقویت رقابت در فعالیت‌های اقتصادی و نیز موانع موجود در این راه می‌پردازیم.

با توسعه نظام‌های اقتصادی در جهان، انحصارات روزه‌روز از بین می‌رود و رقابت در فعالیت‌های اقتصادی جای آن را می‌گیرد. انحصار در قیمت‌گذاری کالا و خدمات در عرصه نظام اقتصادی سبب می‌شود که عرضه‌کننده انحصارگر (اعم از بخش‌های دولتی یا غیردولتی) به موقعیت ویژه‌ای دست یابد و نظرات خود را به متقاضیان محصولش تحمیل کند. این امر سبب می‌شود که عرضه و تقاضا نقش اصلی خود را در تعیین قیمت از دست بدهند و مصرف‌کننده خسارت ببیند یا دیگر تولیدکنندگان کوچکتر از میدان رقابت خارج گردند. انحصار در قیمت‌گذاری از عوامل گوناگونی نشأت می‌گیرد. از جمله این عوامل، نبود تولیدکنندگان رقیب، دسترسی انحصاری به عوامل مؤثر در تولید، فشارهای سیاسی - اقتصادی، دستیابی به فناوری پیشرفته‌تر به طور انحصاری و... می‌باشند. انحصار در دسترسی به عوامل تولید نیز می‌تواند از قوانین و مقررات، نبود فضای رقابتی در بازارهای عوامل تولید (کار، مواد اولیه، فناوری و سرمایه) و... سرچشمه بگیرد. قوانین و مقررات بیش از دیگر موارد مورد اشاره در ایجاد انحصار و استقرار

استحکام آن نقش داشته باشد. برای مثال منابع زیرزمینی بر اساس قانون به دولت یا نهادی وابسته به آن تعلق گیرد و در هیچ شرایطی بخش غیردولتی بدان دسترسی نیابد.

در هر صورت انحصار سبب می‌شود که تولیدکننده بی‌رقیب از یک سو نظرات خود را به دیگران تحمیل کند و از سوی دیگر انگیزه‌ای برای ارتقای بهره‌وری و کارآیی خود نداشته باشد و چه بسا سوءمدیریت به لحاظ انحصاری بودن فعالیت، خسارات سنگین اقتصادی به بار آورد. از این رو رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند از بروز خسارات به مصرف‌کنندگان یا اتلاف منابع و استفاده ناپهینه از آن جلوگیری کند. به همین جهت اکثر اقتصاددانان انحصار را تهدیدی جدی علیه کارکرد صحیح نظام اقتصادی تلقی می‌کنند.

در همین حال با جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی از یک سو فضای رقابت در عرصه بین‌المللی برای شرکت‌های متوسط و کوچک روزبه‌روز تنگ‌تر می‌شود که علل آن را می‌توان در ضعف بنیه مالی، مقررات حاکم بر آنها، عقب‌ماندگی فناوری، توان نه‌چندان قوی مدیریت و... که به هزینه تمام شده بیشتر در تولید و عرضه کالاها و خدمات می‌انجامد، جست‌وجو کرد.

از سوی دیگر اقدام شرکت‌های بزرگ فراملیتی در ادغام میان خود و تشکیل شرکت‌های عظیم و غول‌آسا خود تهدیدی برای وجود فضای رقابتی محسوب می‌شود. شرکت‌های بزرگ ادغام شده از بنیه مالی و مدیریتی و فناوری زیادی برخوردار شده و می‌توانند به تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان انحصاری کالاها، خدمات و فناوری‌های جدید تبدیل شوند. به عبارتی در نظام سرمایه‌داری با وجود تاکید بر جهانی‌سازی و رقابت، امکان بروز فضای انحصاری و انحصارات جدید نیز وجود دارد.

در ایران اسلامی در دو دهه اخیر با وجود تاکیدها و تلاش‌های بسیار برای ایجاد فضای رقابتی در فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت بیشتر شکل‌های غیردولتی در امور اقتصادی، انحصارها و فضای غیررقابتی تا حدود زیادی گسترده شده‌اند، اگرچه در برنامه سوم توسعه اقتصادی، انحصارزدایی و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی بار دیگر مورد تاکید قرار گرفته و تلاش‌هایی نیز در این راستا در حال تکوین است.

بنا به گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، شمار شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در سال ۱۳۷۸ به بیش از دو برابر سال ۱۳۶۸ رسید. تعداد این گونه نهادها در سال‌های

اخیر روند فزاینده‌ای داشته، به طوری که از ۲۶۸ شرکت در سال ۱۳۶۸ با ۱۰۹ درصد رشد به ۵۶۲ شرکت در سال ۱۳۷۸ رسیده است.

این گزارش حاکی است، با وجود تاکید بر اجرای سیاست خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی، شمار این شرکت‌ها همچنان رو به افزایش است. افزایش تعداد شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۷۸ به طور عمده ناشی از افزایش ۵۲ شرکت به شرکت‌های بخش نفت و گاز بوده است. با ایجاد شرکت‌های منطقه‌ای گاز و پالایشگاه‌های گاز و شرکت‌های تولید و استخراج نفت، این شرکت‌ها به مجموعه شرکت‌های دولتی افزوده شده‌اند.

در همین حال اضافه شدن ۲۹ شرکت به شرکت‌های بخش حمل و نقل و ارتباطات در سال ۱۳۷۸ به طور عمده ناشی از ایجاد شرکت‌های پستی استانی بوده است. تعداد شرکت‌های دولتی فعال در بخش صنعت و معدن نیز از ۱۶۶ شرکت در سال ۱۳۷۷ به ۱۹۲ شرکت در سال ۱۳۷۸ رسید. در سایر بخش‌ها مانند کشاورزی، بازرگانی، مکن و عمران شهری و... تعداد شرکت‌های دولتی فعال در یک دهه منتهی به سال ۱۳۷۸ ثابت بوده یا تغییر قابل توجهی نداشته است.

بر اساس این گزارش، مبانی شکل‌گیری و تأسیس شرکت‌های دولتی در ایران از آغاز تأسیس آنها در اوایل دهه ۱۳۰۰ تاکنون در هر دوره‌ای متفاوت بوده است. کمک به فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور، ایجاد اشتغال، گرایش از یک اقتصاد متکی به درآمدهای نفتی به

مبنای شناسایی شرکت‌های دولتی در نظام اقتصادی ایران نیز ماده ۴ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶ است. بر اساس این ماده، شرکتی دولتی محسوب می‌شود که با اجازه قانون تأسیس شود و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد، یا به حکم قانون یا دادگاه

بخش‌هایی از فعالیت‌هایشان که از سوی بخش غیردولتی قابل انجام است، اقدام قانونی به عمل آورد. در مواد ۲۸، ۳۰ و ۳۳ قانون برنامه سوم به صراحت در این زمینه اعلام موضع شده است. چنانچه اجرا و نظارت بر اجرای این مواد در طول اجرای برنامه سوم با دقت، مطالعات

کارشناسی و سرعت انجام شود، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های انحصاری تصحیح خواهد شد و گام بزرگی در جهت رقابتی کردن فعالیت‌های

با توجه به نقش بالایی شرکت‌های دولتی در بودجه سالانه و این که بخش اعظم این سهم در اختیار نهادها و عواملی است که تشکیلات برنامه‌ریزی و نظارتی دولت بر گردش وجوه آنها به طور مطلوب تسلط ندارد، تعیین خط مشی صحیح و سیاست‌های مناسب در جهت بهبود فعالیت‌های این شرکت‌ها الزامی است.

اقتصاد متکی به درآمدهای غیرنفتی، ایجاد صنایع مالی برای دولت، انحصار تولید و توزیع و واردات کالا، تأمین، تولید و ذخیره نیازهای اولیه و ایجاد

امکان صدور کالا به خارج از کشور، از دلایل و انگیزه‌های اصلی ایجاد شرکت‌های دولتی بوده است. در همین حال کمک به تثبیت قیمت‌ها و حمایت از مصرف‌کنندگان، ناتوانی بخش خصوصی بسرای انجام فعالیت‌های خاص، ایجاد زمینه حمایت‌های زیربنایی از صنایع داخلی، توزیع عادلانه‌تر درآمد و توسعه مناطق کشور و افزایش امنیت ملی نیز از دیگر دلایل ایجاد شرکت‌های دولتی اعلام شده است.

صالح، ملی یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد. از گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی و کاهش نقش انحصاری شرکت‌های دولتی یا نهادهای عمومی غیردولتی به طور عمده می‌بایست به مجموعه وزارت نفت، وزارت پت و تلگراف و تلفن و بخش حمل و نقل (راه و ترابری) توجه ویژه داشت و برای کوچک‌سازی این نهادها و واگذاری

اقتصادی برداشته خواهد شد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در گزارش دیگری تصریح می‌کند: یکی از مشکلات بودجه کل کشور، سهم بودجه شرکت‌های دولتی است که باید در جهت کاهش وابستگی این شرکت‌ها به بودجه عمومی اقدام کرد. در سال ۱۳۷۸ بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت ۶۶ درصد بودجه کل کشور را با رقمی به میزان ۱۸۳۰۱۳/۸ میلیارد ریال به خود اختصاص دادند. بودجه این شرکت‌ها در سال ۱۳۷۸ با رشدی

برابر با ۱۸/۹ درصد نسبت به سال ۱۳۷۷ روبه‌رو شد.

رشد بودجه شرکت‌های دولتی در سال‌های ۷۸-۱۳۸۸ همواره تابع رشد بودجه کل کشور بوده و از همان روند برخوردار است. به استثنای سال ۱۳۷۵، سهم شرکت‌های دولتی از بودجه کل کشور در این مدت همواره رقم بالایی بوده و تغییرات این سهم با تغییر در تعداد شرکت‌ها، رابطه قوی ندارد. با وجود افزایش شمار شرکت‌های دولتی به میزان ۱۰۹ شرکت در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال قبل از آن، سهم بودجه شرکت‌های دولتی از بودجه کل کشور تغییری نکرده است.

بر اساس این گزارش، با توجه به نقش بالای شرکت‌های دولتی در بودجه سالانه و اینکه بخش اعظم این سهم در اختیار نهادها و عواملی است که تشکیلات برنامه‌ریزی و نظارتی دولت بر گردش وجوه آنها به طور مطلوب تسلط ندارد، تعیین خط مشی صحیح و سیاست‌های مناسب در جهت بهبود فعالیت‌های این شرکت‌ها لازم به نظر می‌رسد.

در سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور (۸۳-۱۳۷۹) رسیدگی به وضعیت شرکت‌های دولتی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات دریافتی از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، بخشنامه‌ای با

این مضمون به کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی ابلاغ شده است: «با توجه به پاراگراف دوم ماده ۳۵ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر این که در ارجاع کار و انجام معامله توسط بخش دولتی و عمومی، نباید بین دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و عمومی با بخش تعاونی و خصوصی تبعیض قایل شد و با عنایت به تصریح ماده ۱۹۹ قانون برنامه سوم توسعه، بدین شرح که «اجرای قوانین و مقررات مغایر با مفاد این قانون در طی سال‌های برنامه سوم متوقف می‌گردد.» در طول سال‌های برنامه سوم، بندهای یک و دو و همچنین بند چهارده ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱۰ تعلیق گردیده است. بنابراین ارجاع کار به شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی غیردولتی منحصراً از طریق مزایده و یا مناقصه و یا در صورت لزوم با رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون محاسبات عمومی کشور از طریق ترک تشریفات مناقصه و یا مزایده، امکان‌پذیر می‌باشد.»

با گذشت بیش از یک سال و نیم از شروع اجرای برنامه سوم، این تنها تأکید صریح و مستقیم در راستای انحصارزدایی و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی است که

تاکنون از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعلام شده است. اجرای دیگر مواد قانون برنامه سوم در این راستا، هنوز در مرحله مطالعه، تهیه طرح و قوانین لازم و... است و به مرحله اقدام عملی نرسیده است.

دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اواخر سال گذشته اعلام کرد: میزان وام خارجی دریافتی توسط شرکت‌های دولتی از ۹ درصد منابع موردنیاز آنها در سال ۱۳۷۷ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت. تأمین ۱۷ درصد منابع مورد نیاز شرکت‌های دولتی از منابع خارجی در سال ۱۳۷۸ بالاترین رقم در سال‌های اخیر محسوب می‌شود، زیرا وام‌های خارجی همواره سهم کوچکی در تأمین اعتبارات موردنیاز این شرکت‌ها داشته است.

علت افزایش وام‌های خارجی مورد استفاده شرکت‌های دولتی، بالا رفتن میزان اعتبارات دریافتی شرکت ملی نفت ایران است که از معادل ۴۷۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۷ به معادل ۴۰۶۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ رسیده است.

پس از آن، شرکت ملی صنایع پتروشیمی بیشترین وام خارجی را در سال ۱۳۷۸ دریافت نمود و اعتبارات خارجی مورد استفاده این شرکت از معادل ۱۴۹۷ میلیارد ریال در سال

<p>دریافتی‌های شرکت‌های دولتی است که نسبت به سال ۱۳۷۷ تغییری نداشت. با وجود افزایش شمار شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۷۸ به بار پرداخت‌های دولت اضافه نشده است. در حقیقت در تعداد شرکت‌هایی که به نحوی از وجوه عمومی دولت بهره‌مند می‌شوند، تغییری در سال‌های ۷۸-۱۳۷۷ ایجاد نشده است.</p>	<p>سهام تسهیلات بانکی در تأمین نیازهای شرکت‌های دولتی از ۸۴/۵ درصد در سال ۱۳۷۷ با کاهش قابل توجهی به ۷۱/۶ درصد در سال ۱۳۷۸ رسید. علاوه بر آن، سهم تسهیلات بانکی در مجموع وام داخلی با کاهش روبه‌رو بوده و از ۹۳ درصد در سال ۱۳۷۷ به ۸۶/۲ درصد در سال ۱۳۷۸ تنزل یافت. کاهش سهم تسهیلات بانکی شرکت‌های دولتی، تأثیر مهمی بر آزاد نمودن منابع بانکی برای بخش‌های دیگر و بخش خصوصی داشته است و به تدریج زمینه را برای کاستن از اتکای شرکت‌های دولتی به نظام بانکی فراهم آورده است.</p>	<p>۱۳۷۷ به ۱۷۹۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ رسید. بر اساس این گزارش، شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران (وابسته به وزارت نیرو) از نظر جذب اعتبارات خارجی رتبه سوم را در سال ۱۳۷۸ داشت و چند شرکت دیگر نیز از وام‌های خارجی برخوردار شدند که البته سهم اندکی از مجموع این اعتبارات را به خود اختصاص دادند.</p>
<p>گزارش دیگر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که در اوایل اردیبهشت ماه سال جاری منتشر شد، امیدوارکننده بود. بر اساس این گزارش، آخرین آمارهای موجود در زمینه حسابرسی شرکت‌های دولتی (رفتارها و عملکردهای دستگاه‌های دولتی) حاکی از قانونمندی بیشتر آنان نسبت به سال‌های گذشته است.</p>	<p>این موضوع به تدریج در کاهش بدهی‌های شرکت‌های دولتی به نظام بانکی مؤثر بوده است، به طوری که این رقم در سال‌های ۷۷ و ۷۸ به ترتیب ۴۰/۹ و ۳۹/۷ درصد از کل بدهی‌های بخش دولتی به نظام بانکی را تشکیل داد.</p>	<p>بررسی عملکرد مالی شرکت‌های دولتی نشان می‌دهد که سهم درآمدهای عملیاتی از کل دریافتی‌های شرکت‌های دولتی از ۶۴ درصد در سال ۱۳۷۷ به ۶۱ درصد در سال ۱۳۷۸ کاهش یافت. افزایش تعداد شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۷۸ و کاهش سهم درآمدهای مالیاتی، می‌تواند نشان‌دهنده وابستگی بیشتر شرکت‌های جدید به منابع وام و سایر دریافتی‌ها باشد.</p>
<p>در کتاب «تحولات کشور و عملکرد دولت» که از سوی این سازمان منتشر شده، آمده است: اظهارنظر حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی شرکت‌های دولتی نشان می‌دهد که سهم گزارش‌های مقبول از ۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت. سهم گزارش‌های مشروط در همین دوره زمانی از ۷۷ درصد به ۸۰ درصد افزایش و سهم گزارش‌های مردود از ۷/۵ درصد به ۶ درصد تنزل یافت.</p>	<p>از آنجا که شرکت‌های دولتی از اعتبارات جاری برای زیان ناشی از فعالیت‌های خود با دریافت یارانه و نیز از اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذاری برای اجرای طرح‌های توسعه خود استفاده کرده‌اند، به این ترتیب بر پرداخت‌های دولت اثر گذارده‌اند.</p>	<p>وابستگی دریافتی کل شرکت‌های دولتی به سایر منابع تأمین اعتبار، افزایشی را نسبت به سنوات قبل نشان می‌دهد. به طوری که کاهش سهم درآمدهای عملیاتی با سهم وام‌ها و سایر دریافتی‌ها که از ۲۶ درصد در سال ۱۳۷۷ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش داشته، جبران شده است. به عبارت دیگر، شرکت‌های دولتی اتکای بیشتری به منابع وام، اعم از داخلی و خارجی و سایر دریافتی‌ها داشته‌اند.</p>
<p>سهم اعتبارات دولت در سال ۱۳۷۸ معادل ۱۰ درصد کل</p>	<p>سهم اعتبارات دولت در سال ۱۳۷۸ معادل ۱۰ درصد کل</p>	<p>سهم اعتبارات دولت در سال ۱۳۷۸ معادل ۱۰ درصد کل</p>

با وجود آنکه سهم گزارش‌های مقبول در کل گزارش‌های مربوط به شرکت‌های دولتی مورد بررسی، بسیار اندک است، اما این شرکت‌ها در سال‌های اخیر تلاشی در جهت ارایه صورت‌های مالی معتبرتر را آغاز کرده‌اند.

بررسی‌های به عمل آمده از تعداد پرونده‌های مفتوح دستگاه‌های دولتی در دیوان محاسبات حاکی از تنزل حدود دوسوم آنها (۶۷/۳ درصد) در پایان سال ۱۳۷۸ نسبت به سال ۱۳۷۶ بود. پرونده‌های مفتوح از حدود ۴۷۰۹ فقره از ۲۹ دستگاه دولتی در سال ۱۳۷۶ به ۱۵۳۷ پرونده تنزل یافت.

تعداد پرونده‌های تخلف گزارش شده دستگاه‌های دولتی در دیوان محاسبات نیز که در سال ۱۳۷۵ به بیشترین سطح خود یعنی ۱۶۰۰ فقره رسیده بود، روند نزولی پیدا کرد و در پایان سال ۱۳۷۷ به ۳۰۰ فقره رسید. وضعیت تخلفات دستگاه‌های دولتی در این مدت کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد و از سال ۱۳۷۶ روند قانون‌مند شدن شتاب بیشتری گرفته است.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در گزارشی در اوایل فروردین ماه سال جاری اعلام کرد، با وجود اهمیت و نقش فراوانی که شرکت‌های دولتی در اقتصاد ایران به

عهدہ دارند، عوامل و دلایل گوناگونی سبب بروز مشکلات، ناکارایی و عملکرد نامناسب این شرکت‌ها شده است.

بر اساس این گزارش، مداخله دولت در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات و تعیین قیمت بدون در نظر داشتن ضرورت‌ها و تحولات اقتصادی و مشکلات ناشی از سیاست‌های مربوط به نیروی کار، توسعه‌نیافتگی بازار سرمایه، تنگناهای موجود برای جلب سرمایه‌های خارجی و محدودیت در تأمین منابع مالی لازم جهت سرمایه‌گذاری، از جمله این دلایل به شمار می‌روند.

در گزارش دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تصریح شده است: فقدان سیستم ارزیابی، کنترل و نظارت مناسب بر عملکرد شرکت‌های دولتی هماهنگ با اهداف و کارکردهای خاص این شرکت‌ها، ایجاد و گسترش بی‌رویه شرکت‌های دولتی نسل دوم به بعد که اغلب وظایف موازی را انجام داده و باعث بزرگ شدن بخش دولتی می‌گردند و نبود نقش مؤثر و مناسب مجامع عمومی شرکت‌های دولتی از دلایل بروز این مشکلات برای شرکت‌های مذکور است.

در این گزارش، تداخل، تعارض و کارهای موازی با فعالیت نهادهای نظارتی، نبود سیستم مناسب مالی،

اطلاعاتی، عملیاتی و به روز نبودن حساب‌ها در بسیاری از شرکت‌ها به عنوان علل دیگر نارسایی فعالیت‌های شرکت‌های دولتی ذکر شده است.

همچنین انحصاری بودن اغلب شرکت‌ها و در نتیجه فقدان کنترل‌های غیرمستقیم از طریق بنگاه‌های رقیب و نبود عوامل انگیزشی جهت افزایش کارایی و سودآوری، سهولت دسترسی به منابع و اعتبارات شبکه بانکی توسط شرکت‌های دولتی و امکان عدم بازپرداخت به هنگام تعهدات که باعث افزایش بدهی شرکت‌ها به شبکه بانکی می‌شود، بخش دیگری از ضعف فعالیت این شرکت‌ها اعلام شده است.

دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ابهام در ماده ۴ قانون محاسبات عمومی که مآخذ شناسایی شرکت‌های دولتی است و موجب عدم شمول آن نسبت به تمامی شرکت‌های دولتی و در نتیجه اختلاف در اعلام تعداد شرکت‌های دولتی از سوی نهادهای مختلف می‌شود و فقدان فلسفه علمی برای تهیه و تنظیم بودجه شرکت‌های دولتی را از دیگر نارسایی‌های موجود دانست.

در پایان این گزارش، تعدد، ناهماهنگی و تضاد مآخذ مختلف قانونی مؤثر بر تهیه، تنظیم و اجرای بودجه شرکت‌های دولتی و نیز تعدد

مراجع تصمیم‌گیر و اثرگذار بر بودجه این شرکت‌ها و وابستگی تولید آنها به داده‌های خارجی به عنوان دیگر دلایل نارسایی و مشکلات شرکت‌های دولتی عنوان شده است. در همین حال فقدان انگیزه لازم در دستگاه‌های واگذارنده که در مواردی از اعمال سلاقی مدیریتی ناشی می‌شود و نبود روحیه مشارکت یا اعتقاد به واگذاری کارها به مردم، از مشکلات خصوصی‌سازی عنوان شده است.

در گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تصریح شده است که این عوامل از دلایلی است که روند اجرای تبصره ۳۵ (خصوصی‌سازی) را با کندی مواجه ساخته است.

در عین حال حضور نداشتن نمایندگان بخش‌های تعاونی و خصوصی در ترکیب کمیته‌های تصمیم‌گیرنده و پیش‌بینی نکردن تمهیدات لازم در تبصره ۳۵ و آیین‌نامه اجرایی آن برای پاسخگویی مسئولانی که به دلیل نامحدود بودن سقف زمانی واگذاری‌ها می‌توانند با تهیه دستورالعمل‌های اجرایی اداری و یکسویه، موجبات تطویل کار واگذاری را فراهم آورند، از دیگر مشکلات خصوصی‌سازی عنوان شده است.

عوامل یادشده موجب گردیده که موفقیت در اجرای تبصره ۳۵ و تلاش

در جهت کاهش حجم تصدی دولت با مشکل مواجه شود.

در این گزارش آمده است: بسیاری از شرکت‌های قابل واگذاری در وضعیت اقتصادی و مالی مناسبی قرار ندارند و برای سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در آنها، توجیه اقتصادی وجود ندارد. همچنین مکانیزم و شیوه واگذاری‌ها به گونه‌ای است که انگیزه‌ای برای مشارکت اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه وجود ندارد و در نتیجه این امکان پیش می‌آید که تعداد اندکی از سرمایه‌داران در صحنه حضور یابند و باعث بروز عواقب و پیامدهای نامناسب ناشی از واگذاری شرکت‌های دولتی به آنان شوند.

گزارش‌های متعدد که از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در خصوص روند انحصارگرایی و فقدان فضای رقابتی برای فعالیت‌های اقتصادی انتشار یافته، نشان می‌دهد که در ایران بخش دولتی به لحاظ سهم فزاینده در اقتصاد کشور، موجبات گسترش انحصار و نبود فضای رقابتی در فعالیت‌های اقتصادی را فراهم آورده و برای تغییر این روند، انجام اصلاحات لازم از سوی دولت گام اول و اساسی است.

دولت از یک سو در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات اصلی و موردنیاز فعالان اقتصادی، نقش کلیدی دارد و

از سوی دیگر گستردگی حوزه فعالیت شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و بهره‌مندی آنها از امتیازات خاص در جذب منابع (بودجه کل کشور، اعتبارات عمرانی، منابع بانک‌ها، حمایت دولت برای بهره‌گیری از اعتبارات خارجی و...) سبب شده که در عمل فضای رقابتی سالم برای فعالیت در عرصه اقتصاد بسیار محدود و تنگ گردد.

بنابراین انحصار در ایران بیشتر در وجه دولت وجود دارد و شرکت‌های خصوصی بنیه و قدرت مالی برای ادغام و انجام فعالیت‌های انحصاری را ندارند. چنانچه قرار باشد انحصارزدایی و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی که در برنامه سوم مورد تأکید قرار گرفته است، جامعه عمل پیوشد و تحقق پیدا کند، ضرورت دارد که اصلاحات از سوی دولت و در جهت کاهش تصدی و کوچک کردن بدنه دولت صورت پذیرد. از این رو کاهش دسترسی شرکت‌های دولتی در کسب امتیازات خاص جهت جذب منابع، یاقتن تمهیدات لازم برای اجرای تبصره ۳۵ (خصوصی‌سازی)، اصلاح مدیریت شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و نحوه فعالیت آنها و تسریع در ایجاد فضای رقابتی ضرورتی غیرقابل انکار است.